فصلنامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی- فرهنگی، دوره‌ی پنجم، شماره‌ی ۲، پاییز ۹۵، صفحات ۷۹-۱۰۷

بررسی عوامل مؤثّر بر میزان مشارکت اجتماعی زنان در تعاونی‌های تولیدی استان مازندران

شهرام ملانیا جلودار[۱]، سیف‌الله فرزانه[۲]، سیّده مقدسه همایونی بایی[۳]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۱/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۷/۱۵

چکیده

زنان نیمی از جمعیّت فعّال هر کشوری را تشکیل می‌دهند. این نیمه‌ی جمعیّتی نه تنها موضوع هر نوع توسعه‌ای هستند، بلکه اهرم مؤثّری در پیشبرد اهداف توسعه‌ی اقتصادی به‌شمار می‌آیند. هدف پژوهش حاضر، بررسی عوامل مؤثّر بر میزان مشارکت اجتماعی زنان در تعاونی‌های تولیدی استان مازندران است. این پژوهش، مطالعه‌ای توصیفی-تحلیلی از نوع مقطعی و پیمایشی است و چارچوب نظری آننیز نظریّه‌ی کنش اجتماعی پارسونز است. جامعه‌ی آماری تحقیق را ۱۴۷۲ نفر از زنان عضو تعاونی‌های تولیدی تشکیل می‌دهند که بر اساس فرمول کوکران ۳۰۵ نفر به‌عنوان نمونه مشخّص و با روش چندمرحله‌ای انتخاب و مطالعه شدند. ابتدا نمونه‌گیری خوشه‌ای از شهرهای استان مازندران به‌عمل آمد؛ سپس نمونه‌گیری تصادفی(به روش قرعه‌کشی) از تعاونی‌ها انجام شد و در نهایت به روش تصافی ساده، تعداد نمونه‌ی زنان عضو برای جمع‌آوری اطّلاعات انتخاب گردید. بررسی‌ها نشان می‌دهد که بین فعّال‌گرایی زنان و مشارکت اجتماعی آن‌ها، رابطه‌ی معناداری وجود ندارد، ولی بین عام‌گرایی، خِرَدگرایی، ارزیابی فواید مشارکت، اعتماد اجتماعی، امید به آینده، تأهّل و تحصیلات زنان با مشارکت اجتماعی آن‌ها، رابطه‌ی معناداری دیده می‌شود. نتایج یافته‌های مدل رگرسیونی بیانگر آن است که متغیّرهای تحصیلات، اعتماد اجتماعی، امید به آینده و عام‌گرایی به ترتیب بیش‌ترین تأثیر را بر مشارکت اجتماعی زنان دارند. هم‌چنین متغیّرهای مستقل هشت‌گانه توانسته‌اند ۰/۴۲ درصد از تغییرات مربوط به متغیّر وابسته‌ی این تحقیق را تبیین کنند.

واژه‌های کلیدی: مشارکت اجتماعی زنان، اعتماد اجتماعی، تعاونی، تعاونی‌های تولیدی.

[۱] استادیارگروه جامعه‌شناسی، دانشگاه‌پیام نور(نویسنده‌ی مسؤول) smollania@yahoo.com

[۲] استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه‌آزاد اسلامی، بابل، ایران mfilib@yahoo.com

[۳] دانش‌آموخته کارشناس‌ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران mo_homayoni@yahoo.com

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

بیان مسأله

یکی از مباحث اساسی در حوزه‌ی علوم، مسأله‌ی مشارکت است. در نظریّه‌های توسعه، غالباً مشارکت را یکی از شاخص‌های توسعه به‌شمار می‌آورند. حیات اجتماعی زمانی میسّر است که افراد همانند اعضای یک بدن با یکدیگر تعامل و همکاری داشته باشند. دایره‌المعارف علوم اجتماعی، مشارکت را شرکت فعّالانه‌ی انسان‌ها در حیات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و به‌طور کلّی در ابعاد حیات می‌داند. از این رو، مشارکت و تسهیل در فرایند تحقیق آن همواره مورد توجّه برنامه‌ریزان و مصلحان اجتماعی بوده است (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۵۲۱). مشارکت بر این بینش استوار است که همه‌ی افراد حق دارند در امور مربوط به خود احساس مسؤولیّت کنند و در تصمیم‌هایی که بر زندگی آن‌ها اثر می‌گذارد، دخالت داشته باشند. مشارکتی که لازمه‌ی توسعه‌ی پایدار است، مشارکت همه‌ی اقشار و گروه‌هاست. مسأله‌ای که در اینجا باید بدان اشاره کرد، این است که اگرچه زنان نیمی از جمعیّت کشور را تشکیل می‌دهند، اعتقاد به نقش فعّالانه‌ی آن‌ها، هنوز شکلی جدّی به خود نگرفته است. هم‌چنین بر اساس پژوهش‌هایی که در دهه‌ی ۱۹۶۰ انجام شده، زنان کم‌تر از مردان،به مشارکت تمایل دارند. پژوهش‌های انجام‌شده در بین کشورها نیز این نکته را درباره‌ی همه‌ی کشورهای مورد بررسی و همه‌ی حالات مشارکت معمول و مرسوم تأیید می‌کند(وینر و هانتینگتون[1]، ۱۳۷۹: ۱۶).

مشارکت اجتماعی یکی از انواع مشارکت است که دلالت بر گسترش روابط بین گروهی در قالب انجمن‌های داوطلبانه، باشگاه‌ها، اتّحادیّه‌ها و گروه‌هایی دارد که معمولاً خصلتی محلّی و غیردولتی دارند و هدفشان مشارکت و درگیر ساختن مردم در فرایندهای اجتماعی مختلف در قالب سیاست‌های اجتماعی است (محسنی تبریزی، ۱۳۶۹: ۱۰۸).

هویّت دادن و استقلال بخشیدن بهزنان و فراهم کردن زمینه‌ی مشارکت فعّال آن‌ها در امور اقتصادی و اجتماعی، عامل مهمّی در انگیزش بیش‌تر این نیروی عظیم در چرخه‌ی تولید اجتماعی است. یکی از مؤثّرترین راه‌هایی که بستر لازم را برای توانمندی ذهنی و فکری مهیّا می‌کند و موجب مشارکت فعّال زنان در فعّالیّت‌های گروهی می‌شود، فعّالیّت در قالب تعاونی-هاست.شرکت‌های تعاونی دارای انواع مختلفی هستند که به دو صورت کلّی دسته‌بندی می‌شوند: ۱. شرکت‌های تعاونی به لحاظ عضویّت که به دو شرکت تعاونی عام و خاص تقسیم می‌گردند؛۲. شرکت‌های تعاونی به لحاظ فعّالیّت که به دو شرکت تعاونی تولیدی و توزیعی طبقه‌بندی می‌شوند.

[1]Weiner& Huntington

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

در تحقیق حاضربه بررسی مشارکت اجتماعی زنان در شرکت‌های تعاونی تولیدی پرداخته می-شود؛ یعنی شرکت‌هایی که کار اصلی و مهمّ آن‌ها، تولید کالا و محصول است.

شرکت‌های تعاونی به سبب قائل شدن نقش فعّال برای اعضای خود و مشارکت دادن آن‌ها در همه‌ی مراحل (از تأسیس تعاونی تا توسعه‌ی فعّالیّت‌ها و تداوم آن)، به کانون‌های اصیل تبلور مشارکت اشتهار یافته‌اند (پترسون[1]، ۲۰۰۴: ۶۱۷). خصوصیّت ویژه‌ی تعاونی این نیست که صرفاً برای اعطای سود اقتصادی به اعضایش ایجاد شده باشد، بلکه یکی از جنبه‌های ویژه‌ی تعاونی، ماهیّت دوگانه‌ی آن است که از یک‌سو مانند تجارت و از سوی دیگر مانند گروه‌های اجتماعی، جمعی عمل می‌کند (افروز[2]، ۲۰۱۰: ۴).

در حال حاضر در ایران اسلامی، زنان – اعمّ از شهری و روستایی– به صورت سنّتی و مدرن، مستقیم یاغیرمستقیم در اقتصاد ملّی و توسعه‌ی فرهنگی و اجتماعی نقش دارند (عباسی، ۱۳۸۹: ۳۰۵). از آنجا که یکی از اهداف بخش تعاون، ایجاد و تأمین شرایط و امکانات کار برای همه با هدف اشتغال و نیز قرار دادن وسایل و امکانات کار در اختیار کسانی است که علی‌رغم توانایی برای انجام کار، قادر به تهیّه‌ی ابزار کار خود نیستند، زنان با تشریک مساعی در قالب تعاونی‌های کوچک می‌توانند به ابزاری برای نیل به اهداف و نیازهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دسترسی پیدا کنند.

آخرین اطّلاعات مربوط به میزان مشارکت اجتماعی زنان و مردان در ایران نشان‌دهنده‌ی ۱۲ درصد مشارکت زنان در مقایسه با ۶۱/۶ درصد مشارکت مردان است که هنوز بینمیزان مشارکت زنان و مردان شکاف عمیقی وجود دارد(فراستخواه، ۱۳۸۳: ۱۰).پژوهش‌های پیمایشی انجام‌شده بین کشورها نیز این نکته را درباره‌ی همه‌ی کشورهای مورد بررسی و همه‌ی حالات مشارکت تأیید می‌کند (وینر و هانتینگتون،۱۳۷۹: ۱۶۰).

برپا داشتن اقتصاد یک کشور به میزان یکپارچه‌سازی زنان، استفاده از آن‌ها در تصمیمات عمومی و به‌حساب آوردن احتیاجات و علایق آن‌ها بستگی دارد. مشارکت زنان فقط برای ایجاد برابری اهمّیّت ندارد، بلکه به منظور برقراری حقوق زنان، توجّه به مسائل‌آن‌ها و روبرو شدن با محیط‌های کاری همانند زندگی اجتماعی‌شان، دارای اهمّیّت فراوانی است (هانیش[3]، ۲۰۰۵: ۳).

[1] Peterson
[2] Afroz
[3] Hanish

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

جامعه‌ی امروز ایران دچار برخی بحران‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بوده و نیازمند مشارکت همه‌جانبه‌ی تمام مردم در عرصه‌ی عمومی جامعه است. این در حالی است که بر اساس آمارهای موجود، در حال حاضر فقط نزدیک به ۹ درصد از مجموع شاغلان کشور، زن هستند(صداقتی‌فرد و ارجمند، ۱۳۸۹: ۹۸).

در استان مازندران علی‌رغم برخورداری آن از شرایط اقلیمی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مناسب و نیز وجود استعدادها و قابلیّت‌های بالقوّه‌ای که نظیر آن را شاید نتوان در استان‌های دیگر یافت، مشارکت اجتماعی فعّال زنان همانند دیگر استان‌های کشور هنوز در سطح پایینی است. با توجّه به این که در هر جامعه‌ای، تولید یکی ازپایه‌های اقتصاد آن جامعه است، تعاونی تولیدی یکی از راه‌هایی است که موجب توانمندی اقتصاد جامعه، خانواده و در نهایت زنان می‌شود. بررسی و تحلیل میزان مشارکت اجتماعی زنان در استان مازندران چه از لحاظ توسعه و چه از لحاظ ارتقای کیفیّت زندگی خانوادگی و اجتماعی زنان استان، از اهمّیّت فراوانی برخوردار است و شناخت این عوامل و متغیّرهای آن‌ها می‌تواند موجبات مشارکتاجتماعی بیش‌تر استان را فراهم کند. در نتیجه، شناسایی عواملی که می‌توانند بر مشارکت اجتماعی زنان در تعاونی‌های تولیدی در استان مازندران اثرگذار باشد، بسیار مهمّ است و با شناسایی این عوامل مؤثّر و تقویت هریک از آن‌ها می‌توان در آینده شاهد مشارکت روزافزون زنان در تعاونی‌ها بود. بنابراین، محقّقان در این پژوهشبه دنبال پاسخ این پرسش‌ها هستند که:

۱. چه عواملی بر مشارکت زنان در تعاونی‌های تولیدی استان مازندران مؤثّرهستند؟

۲. عوامل اجتماعی و محیطی چه میزان بر مشارکت زنان در تعاونی‌های تولیدی استان مازندران تأثیر دارند؟

چارچوب نظری مفهوم مشارکت اجتماعی

نظریّه‌ی کنش اجتماعی پارسونز به‌عنوان چارچوب نظری تحقیق حاضر برگزیده شده است. در این نظریّه، روند کنش متقابل بین خود و دیگری را می‌توان به‌عنوان دنیای کوچکی از نظام‌های اجتماعی به‌کار برد؛ زیرا همه‌ی این کنش‌های متقابل دارای عناصری هستند که نظام اجتماعی ترکیبی از آن‌هاست. پارسونز در نظریّه‌ی کنش سعی می‌کند کنش را از رفتارگرایی متمایز سازد؛ رفتار، بر واکنش مکانیکی در برابرمحرّک‌ها دلالت دارد، حال آنکه اصطلاح کنش بر یک فراگرد

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

فعّالانه، خلّاقانه و ذهنی دلالت می‌کند. کنش اجتماعی در اصطلاح دربرگیرنده‌ی گزینش‌های ارادی افراد و گروه‌ها برای محقّق ساختن اهداف مورد نظر آن‌هاست. در این معنا، کنش اجتماعی برای کسانی که درگیر آن هستند، باید معنادار باشد. پدیده‌ی بنیادی در نظریّه‌ی کنش پارسونز همان چیزی است که او واحد کنشی خوانده است. او این پدیده را برحسب چهار عنصر سازنده مشخّص می‌کند:

۱. این واحد به وجود یک کنش‌گر نیاز دارد.

۲. واحد کنشی مستلزم هدف یا وضعیّتی آتی است که کنش‌گر نسبت به آن جهت‌گیری می‌کند.

۳. این کنش در موقعیّتی انجام می‌گیرد که مستلزم دو عنصر است: نخست، چیزهایی که کنش‌گر نمی‌تواند تحت نظارت داشته باشد و دیگر، چیزهایی که کنش‌گر می‌تواند بر آن‌ها نظارت داشته باشد.

۴. هنجارها و ارزش‌ها در جهت تعیین گزینش وسایل دست‌یابی به اهداف، نقش ایفا می‌کنند(ریتزر[1]، ۱۳۸۲: ۵۲۹).

در نتیجه، به نظر پارسونز کنش‌ها متشکّل از ساختارها و فرایندهایی هستند که موجودات انسانی به کمک آن‌ها نیّات معنادار را شکل می‌دهند و به گونه‌ای موفّقیّت‌آمیز، آن‌ها را در وضعیّت‌های واقعی، عملی می‌کنند. نظریّه‌ی کنش اجتماعی شامل چهار مرحله است؛در نخستین مرحله کنش‌گران برای اقدام به کنش، به‌ویژه برای دست‌یابی به هدفی دلخواه برانگیخته می‌شوند. در مرحله‌ی دوم کنش‌گران باید راه‌های رسیدن به هدف دلخواه خود را پیدا کنند.در سومین مرحله، کنش‌گران باید از عهده‌ی شرایطی که مانع دست‌یابی آن‌ها به هدف می‌شوند، برآیند. در مرحله‌ی چهارم، کنش‌گران باید در سیستم اجتماعی فعّالیّت کنند (دیلینی[2]، ۱۳۸۹: ۳۵۶).

پارسونز اندیشه‌ی کنش را به مفهوم نظام اجتماعی بسط می‌دهد. نظام اجتماعی حول هنجارها و ارزش‌هایی که بخشی از محیط کنش‌گران را تشکیل می‌دهند، ساخته می‌شود(کرایب[3]، ۱۳۸۱: ۵۶).

پارسونز در کتاب «ساختار کنش اجتماعی» نظریّه‌ای با عنوان نظریّه‌ی سیستم‌ها دارد. وی در این نظریّه، نظام کنش را متشکّل از چهار جزء نظام فرهنگی، نظام اجتماعی، نظام شخصیّتی و نظام

[1] Ritzer
[2] Dillini
[3] Krayb

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

زیستی می‌داند. او برای این خرده‌سیستم‌ها الگویی با عنوان آجیل[1] معرّفی می‌کند که برای حفظ و بقای یک سیستم اجتماعی لازمند و به کارکردهای هر سیستم در جهت بقای جامعه اشاره دارند. این چهار کارکرد در کلّی‌ترین سطح آن با چهار نظام کنش پیوند دارند:

۱. ارگانیسم زیست‌شناختی: نوعی نظام کنش است که کارکرد تطبیقی خود را از طریق سازگاری و تغییر شکل جهان خارجی انجام می‌دهد.

۲. نظام شخصیّتی: کارکرد دست‌یابی به هدف را از طریق تعیین اهداف نظام و بسیج منابع برای دست‌یابی به آن‌ها، انجام می‌دهد.

۳. نظام اجتماعی: با تحت نظارت درآوردن اجزای سازنده‌اش، کارکرد یکپارچگی را انجام می‌دهد.

۴. نظام فرهنگی: کارکرد سکون را با تجهیز کنش‌گران به هنجارها و ارزش‌هایی که آن‌ها را به کنش برمی‌انگیزانند، انجام می‌دهد (همان: ۳۸۱).

هر نظامی از طریق مبادله‌ی نمادین، تعادل خود را با سایر نظام‌ها برقرار می‌سازد و هویّت و مرزهای خود را نیز حفظ می‌کند. بنا به اشاره‌ی پارسونز، هر نظامی به‌وسیله‌ی خرده‌نظامی که از نظر اطّلاعات در بالاترین سطح و از نظر انرژی در پایین‌ترین سطح است، کنترل می‌شود (همان: ۶۳). او چهار تکلیف کارکردی زیر را برای نظام کنش تعیین کرده است:

۱. سازگاری: عبارت است از سازگاری مجموع اجزای کنشی که روابط میان نظام کنش و محیط بیرونی‌اش را تأمین می‌کنند. کار سازگاری آن است که منابع گوناگونی را که نظام نیاز دارد،از این نظام‌های بیرونی بگیرد و در عوض، فرآورده‌های تولید نظام را عرضه کند و با فرآوری و تبدیل این منابع، آن‌ها را برای نیازهای این نظام به‌کار برد. این کارکرد شامل کارکردهایی است که نظام را با محیط، تنگناها و محدودیّت‌هایش سازگار می‌کند و نیز کارکردهایی که نظام کنش از گذر آن‌ها محیط را با نیازهای خود سازگار کرده، آن را تغییر می‌دهد و بر آن نظارت و از آن بهره‌برداری می‌کند.

۲. دست‌یابی به هدف: در این مقوله پارسونز مجموعه کنش‌هایی را قرار می‌دهد که می‌خواهند اهداف نظام را تعیین نمایند و برای رسیدن به این اهداف و گرفتن پاداش مطلوب، منابع و انرژی‌ها را بسیج و اداره می‌کنند.

[1] AGIL

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

۳. یکپارچگی: در هر نظام کنش، کار برخی از اجزای کنشی مراقبت و جلوگیری از گرایش‌های کج‌روی، حفظ هماهنگی میان اجزا و دوری کردن از اختلال‌های عمیق است. پارسونز کار این مجموعه کنش‌ها را یگانگی می‌نامد و منظور از آن بُعد ثبات‌بخشنده‌ی نظام است.

۴. حفظ الگو: هر نظام کنش به مجموعه‌ای از اجزای کنشی نیاز دارد که کار آن‌ها ایجاد انگیزش لازم در کنش‌گران است. پارسونز این بعد از نظام کنش را حفظ الگوهای فرهنگی نامیده است(روشه[1]، ۱۳۷۶: ۷۶)؛ به‌عبارتی، هر نظامی باید انگیزش‌های افراد و الگوهای فرهنگی‌ای را که این انگیزش‌ها را ایجاد و نگهداریمی‌کنند، تجدید نماید (ریتزر، ۱۳۸۲: ۱۳۱).

پارسونز با ابداع و تدوین متغیّرهای الگویی که چشم‌داشت‌ها و ساختار روابط را طبقه‌بندی می‌کنند، تلاش کرد نظریّه‌ی انتزاعی خود را درباره‌ی کنش روشن‌تر سازد. متغیّرهای الگویی، امکان مقایسه‌ی روابط را فراهم می‌آورند. به نظر او، این متغیّرها به اندازه‌ی کافی باید عام باشند تا امکان مقایسه‌ی روابط را در فرهنگ‌های متفاوت فراهم کنند. ضمن آن که در همه‌ی سیستم‌های اجتماعی باید قابل طرح باشند (دیلینی، ۱۳۸۹: ۳۶۱).

به باور پارسونز ارزش‌های همراه با کنش، از خارج بر افراد تحمیل نمی‌شوند، بلکه در مناسبات متقابل آن‌ها با جامعه ایجاد می‌گردند؛ از این رو، جای آن است که آن‌ها را «اجتماعی» بنامیم. در واقع، این ارزش‌ها هستند که در عمل، شرایط ساختی کنش اجتماعی را تشکیل می‌دهند. متغیّرهای الگویی، فرایند کنش اجتماعی افراد را نسبت به موقعیّت خود بیان می‌کنند. منظور از متغیّر، انتخاب یک شق از دو شقی است که عامل پیش از آنکه معنای موقعیّت بر او معلوم باشد و بخواهد به عمل دست زند، باید یکی از آن دو را انتخاب کند. پارسونز تعداد این دو راهی‌ها را از پنج متغیّر اساسی بیش‌تر نمی‌داند. این پنج متغیّر از چارچوب نظریّه‌ی کنش مشتقمی‌شوند. وی این شقوق دوگانه‌ی انتخاب را متغیّرهای الگویی می‌نامد و آن‌ها را چنین طبقه‌بندی می‌کند:

۱. عاطفی بودن در برابر خنثی بودن از لحاظ عاطفی؛ شقی که فرد نسبت به موضوع علاقه‌مند یا بی‌علاقه است.

۲. جهت‌گیری جمعی در برابر جهت‌گیری به سوی خود.

۳. عام‌گرایی در برابر خاص‌گرایی؛ آیا عمل در پرتو روابط خاصّ عامل با موضوع صورت می‌گیرد یا اسناد عام دارد؟

[1] Roche

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

۴. کیفیّت ذاتی در برابر جنبه‌ی عملی؛ یعنی توجّه به موضوع به دلیل کیفیّت آن است یا به دلیل آن‌چه می‌تواند انجام دهد (توسّلی، ۱۳۹۰: ۲۴۳). آیا کنش‌گران بر مبنای آن‌چه که هستند (یعنی ویژگی اکتسابی خود نظیر مدرک تحصیلی)با دیگران به کنش متقابل می‌پردازند یا بر پایه‌ی خصوصیّات مادرزادی (یعنی خصوصیّات انتسابی نظیر نژاد، جنس و سن) که کنترلی بر آن‌ها ندارند؟ قضاوت در خصوص چگونگی عملکرد افراد، صرفاً بر مبنای خصوصیّات انتسابی آن‌ها، اعتباری ندارد (همان: ۲۴۳).

۵.ویژه بودن در برابر پراکنده بودن؛ نظر عامل متوجّه کلّ موضوع است یا متوجّه بخشی از آن؟ (کرایب، ۱۳۸۱: ۵۵)

در تحلیل کنش در سطح خُرد، پارسونز معتقد است هر عملی که از انسان سرمی‌زند، سه خصلت عمده دارد؛ ۱. خصلت ارگانیستی: یعنی، هر کنشی در جهت پاسخ به نیازی زیستی است؛ ۲. خصلت شخصیّتی: یعنی، هر کنشی تحت‌تأثیر شخصیّت فرد است؛ ۳. خصلت فرهنگی: یعنی، هر کنشی صبغه‌ی فرهنگی دارد و تحت‌تأثیر فرهنگ جامعه است.

پارسونز ارگانیسم رفتاری را که دارای سه گرایش هنجاری، ارزیابی و ادراکی یا شناختی است، نخستین منشأ کنش می‌داند. ارگانیسم وسیله‌ای است که انسان از طریق آن با محیط ارتباط پیدا می‌کند و کارکرد آن فراهم کردن عوامل تطابق انسان با محیط است. به نظر پارسونز، از آن جا که نوزاد انسان در یک نظام فرهنگی متولّد می‌شود، این ارگانیسم در برخورد با فرهنگ و پذیرش مجموعه‌ی باورها، ارزش‌ها و هنجارهای نظام فرهنگی، آن‌ها را درونی می‌کند (از طریق زندگی در میان اعضای خانواده، مشارکت و همکاری با نهادهای مدنی چون تعاونی‌ها، کسب تحصیلات در گروه‌های آموزشی، یادگیری باورها و ارزش‌ها درباره‌ی فواید مشارکت درامور اجتماعی و همکاری و مفاهیمی از این دست) و با درونی شدن ارزش‌ها و هنجارها، نظام شخصیّتی شکل می‌گیرد که کارکرد آن هدف‌یابی است. هنگامی که نظام شخصیّتی شکل گرفت، دیگر انسان نه از ارگانیسم، بلکه از شخصّیت خود پیروی می‌کند و شخصیّت برارگانیسم مسلّط می‌شود.

به عقیده‌ی پارسونز، دو عنصر محیط فیزیکی و ارزش‌های غایی نیز بر کنش اثر می‌گذارند. محیط ارگانیک-فیزیکی، تسهیلات محیطی را برای فرد فراهم می‌کند (نظیر امکانات موجود در تعاونی‌ها، محلّه و منطقه‌ی زندگی، وجود سازمان‌ها و نهادهای مشارکتی، ارزیابی از وجود این امکانات و نبودن آن‌ها به‌عنوان مانع مشارکت) و ارزش غایی نیز نمادی ناظر بر آینده است (نظیر امید به آینده و بهبود شرایط با فعّالیّت فرد). در بین عناصر مطرح‌شده، عنصری که میزان اطّلاعات

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

آن بالاتر است، کنترل بیش‌تری بر کنش دارد و آن را از بالا به پایین مورد توجّه قرارمی‌دهد. بر این اساس محیط طبیعی، ارگانیسم رفتاری، نظام شخصیّتی و نهایتاً ارزش‌های غایی، به ترتیب کم‌ترین اطّلاعات و بیش‌ترین انرژی را دارند. از نظر پارسونز، انسان در کنش خود آزاد است و کنش نیز اگرچه تا حدّی ارادی و اختیاری است، ولی آزاد مطلق نیست و کنش‌گر تحت شرایط ساختاری در جامعه عمل می‌نماید. بنابراین، عوامل و شرایط سطح کلان، کنش انسان را مقیّد به شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌کندو در عین حال، کنش‌گرمی‌تواند با کنش خود این ساختارها را تغییر دهد.

پارسونز منشأ هر رفتاری را تمایلات نیازی می‌داند که طی فرایند اجتماعی شدن شکل می‌گیرند و انگیزه‌های کنش را می‌سازند. یک دسته از این تمایلات نیازی، تمایلاتی هستند که کنش‌گران را وادار می‌کنند در روابط اجتماعی خود به دنبال عشق و تأیید بروند و دسته‌ی دیگر، ارزش‌های ملکه‌ی ذهن‌شده‌ای هستند که شخص را وادار می‌سازند معیارهای گوناگون فرهنگی را رعایت کند و سرانجام چشم‌داشت‌های نقشی کنش‌گران را به دادن و ستاندن پاسخ‌های مناسب سوق می‌دهند(روشه، ۱۳۷۷: ۱۶۹).

بنابراین، تمایل به پاداش‌های معنوی و مادی از یک‌سو و تمایل به رعایت ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی از سوی دیگر، منشأ کنش هستند. پارسونز ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی را که در عمل سازنده‌ی شرایط ساختی کنش هستند، تحت‌عنوان متغیّرهای الگویی دسته‌بندی می‌کند و مقصود وی از متغیّر، انتخاب یک شق از دو شقی است که کنش‌گر باید یکی از آن دو را انتخاب کند. از نظر پارسونز، ترکیب الگوها وجهت‌گیری‌های ارزشی که به‌وسیله‌ی کنش‌گر در زمان اجتماعی شدن به‌دست می‌آید، تا حدّ زیادی نتیجه‌ی کارکرد ساختار بنیادین جامعه و ارزش‌های مسلّط نظام اجتماعی است. بنابراین از نظر وی، هریک از عوامل ساختاری سطح کلان مانند اقتصاد، سیاست،اجتماع، فرهنگ و سطح توسعه به روش اثرگذاری بر ترکیب متغیّرهای الگویی، مشروط‌کننده‌ی کنش است. از سوی دیگر، به اعتقاد او کنش نیز به‌طور متقابل بر ساختار جامعه اثر می‌گذارد و تغییردهنده‌ی شرایط ساختاری است. این تغییرات در جهت تفکیک‌پذیری و انسجام نظام اجتماعی، شکل‌گیری ارزش‌ها و اجتماع عام و افزایش توان و ظرفیّت تطابق جامعه با محیط صورت می‌گیرد (ریتزر، ۱۳۸۲: ۶۲).

پارسونز درباره‌ی ترکیب متغیّرهای الگویی در جوامع مختلف، معتقد است که هرچه جامعه به طرف صنعتی شدن پیش می‌رود، گرایش به جهت‌گیری جمعی در مقابل جهت‌گیری فردی،

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

فعّال‌گرایی در مقابل انفعال‌گرایی، خِرَدگرایی در مقابل عاطفه‌گرایی و عام‌گرایی در مقابل خاص‌گرایی بیش‌تر می‌شود؛ به‌عبارت دیگر، او خصوصیّات جوامع مدرن را در وجود عناصری چون عام‌گرایی، فعّال‌گرایی، آزادی و عقل‌گرایی می‌داند (ازکیا، ۱۳۷۹: ۹۷).

بر اساس نظریّه‌ی پارسونز، افراد مشارکت‌جو دارای ویژگی‌هایی چون عام‌گرایی، فعّال‌گرایی، خِرَدگرایی و امیدوار به آینده هستند. از آنجا که او زنان را دارای نقشی مادرانه، فوق‌العاده عاطفی، خاص‌گرا و انفعالی می‌داند، می‌توان گفت نوع جهت‌گیری ارزشی در میان زنان، از عوامل مؤثّر بر مشارکت اجتماعی آن‌هاست و آگاهی از امکانات موجود در محیط زندگی و مزایایی که برای فرد در پی خواهد داشت (آشنایی با شرکت‌های تعاونی و مزایایی که مشارکت اجتماعی در آن‌ها به همراه می‌آورد)، از متغیّرهای مهمّ اثرگذار بر میزان مشارکت زنان هستند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

جدول شماره‌ی یک- اشکال، عوامل و برآمد کلّی تحقیقات انجام‌شده در موضوع عوامل مؤثّر بر مشارکت اجتماعی

نام محقّق	جامعه‌ی مورد مطالعه، سال	متغیّر وابسته‌ی مورد تحقیق	عوامل مؤثّر بر متغیّر وابسته(مشارکت اجتماعی)	برآمد کلّی پژوهش
۱. شفیعی	شهروندان شهر اردبیل، ۱۳۸۷	مشارکت اجتماعی	جنس،سن، تحصیلات،شغل، مدّت سکونت، سنّت‌گرایی، احساس تعلّق اجتماعی، احساس مالکیّت بر محیط شهری و رضایت از خدمات شهری	الگوی نهایی نشان داد که بیش‌تر از همه‌ی متغیّرهای مستقل، متغیّر احساس تعلّق اجتماعی، در مشارکت اجتماعی مؤثّر است. علاوه بر این درمیان دیگر متغیّرها، متغیّرهای سنّت-گرایی، احساس مالکیّت بر محیط شهری، سن و رضایت از خدمات شهری، به ترتیب بر مشارکت اجتماعی اثرگذار هستند.
۲. موسی عنبری	تهران، ۱۳۷۷	مشارکت اجتماعی	پایگاه اقتصادی- اجتماعی، نظم خانوادگی، جنس، بعد خانوار و محلّ سکونت	دانشجویان طبقه‌ی بالا در انجمن علمی مشارکت داشته‌اند، حال آنکه بیش‌تر فعّالیّت دانشجویان طبقه‌ی پایین در انجمن‌های سیاسی و مذهبی بوده است. نظم خانوادگی بالاتر، مشارکت مذهبی بالاتری را در پی داشته است. هم‌چنین دانشجویان دختر مسؤولیّت اجتماعی بالاتری را پذیرا بوده‌اند و مسؤولیّت‌پذیری دانشجویان ساکن در شهرهای کوچک و مناطق روستایی نسبت به افراد ساکن در شهرهای بزرگ و مراکز استان‌ها بالاتر بوده است.
۳. حسین کردی	استان گلستان، ۱۳۷۹	مشارکت اجتماعی زنان	سواد، شغل، وضعیّت تأهّل و محلّ سکونت	سواد دارای بیش‌ترین تأثیر بر میزان نگرش زنان نسبت به امر مشارکت اجتماعی بوده و زنان شاغل و مجرّد رتبه‌های بعدی را داشته‌اند. امّا تفاوت معناداری بین زنان شهری و روستایی در خصوص مشارکت اجتماعی مشاهده نشده است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

ادامه جدول شماره‌ی یک- اشکال، عوامل و برآمد کلّی تحقیقات انجام‌شده در موضوع عوامل مؤثّر بر مشارکت اجتماعی

نام محقّق	جامعه‌ی مورد مطالعه، سال	متغیّر وابسته‌ی مورد تحقیق	عوامل مؤثّر بر متغیّر وابسته(مشارکت اجتماعی)	برآمد کلّی پژوهش
۴. مصطفی ازکیا و غلامرضا غفاری	شهر کاشان، ۱۳۸۰	مشارکت اجتماعی	شغل، تحصیلات، گستره‌ی شبکه‌ی ارتباطی و سنّت‌گرایی	بین شاخص‌های پایگاه اقتصادی (درآمد و میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی) و جهت‌گیری احساسی، رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد. امّا بین درآمد وجهت‌گیری احساسی، رابطه‌ی مثبت و معناداری دیده نشده است. هم‌چنین بین شاخص‌های پایگاه اجتماعی(شغل، تحصیلات، گستره‌ی شبکه‌ی ارتباطی و سنّت‌گرایی) و جهت‌گیری ارزشیابی(به جز گستره‌ی شبکه‌ی ارتباطی)، رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد.
۵.لیلا عظیمی	شهر شیراز، ۱۳۸۰	مشارکت اجتماعی زنان	پایگاه اقتصادی- اجتماعی و جهت‌گیری ارزشیابانه، احساسی و شناختی	بین درآمد و جهت‌گیری احساسی، رابطه‌ی مثبت و معناداری به‌دست نیامدهامّا بین شاخص‌های اقتصادی و جهت‌گیری ارزشیابانه و شناختی، رابطه-ی مثبت و معناداری بوده است. هم-چنین بین شاخص‌های پایگاه اجتماعی و جهت‌گیری ارزشیابانه، رابطه‌ی مثبت و معناداری ارزیابی شده است.
۶.افسانه آقایین	شهرستان میانه، ۱۳۸۲	مشارکت اجتماعی زنان روستایی	اعتماد به نفس، نوع نگرش زنان به خود، انگیزه‌ی موفّقیّت و حسّ همکاری	مشارکت نمونه‌ی آماری تحقیق (۱۵۵ نفر زنان روستا) عمدتاً به صورتمشارکت‌های سنّتی و مذهبی، مشارکت در مراسم مولودی، هیأت‌های مذهبی و خانه‌ی بهداشت بوده و در واقع نوعی مشارکت منفعلانه است. وجود رابطه بین مشارکت اجتماعی زنان روستایی و متغیّرهای نگرش زنان نسبت به خود (عوامل درونی)، سن، تحصیلات(عوامل زمینه‌ای) و میزان دسترسی آن‌ها به مراکز شهری و وسایل ارتباط جمعی (عوامل ساختاری) تأیید شده است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

ادامه جدول شماره‌ی یک- اشکال، عوامل و برآمد کلّی تحقیقات انجام‌شده در موضوع عوامل مؤثّر بر مشارکت اجتماعی

نام محقّق	جامعه‌ی مورد مطالعه، سال	متغیّر وابسته‌ی مورد تحقیق	عوامل مؤثّر بر متغیّر وابسته(مشارکت اجتماعی)	برآمد کلّی پژوهش
۷. وحیدا و نیازی	شهر کاشان، ۱۳۸۳	مشارکت اجتماعی	ساختار قدرت در خانواده	نتایج حاصل از تحقیق نشان داد که بین متغیّرهای اقناع‌گرایی، شیوه‌های تربیتی افراد و فعّالیّت اجتماعی آن‌ها با مشارکت اجتماعی، رابطه‌ی معناداری وجود دارد و فقط رابطه‌ی استبدادگرایی با مشارکت اجتماعی، معنادار نبوده است.
۸.نیک‌بین صداقتی	منطقه‌ی ۹ شهر تهران، ۱۳۸۶	رفاه در خانواده	مشارکت اجتماعی زنان شش متغیّر مشارکتی(مذهبی، خیریّه‌ای، انجمنی، محلّی، سیاسی و اقتصادی)	بین مشارکت انجمنی زنان و میزان زمانی که اعضای خانواده به اوقات فراغت اختصاص می‌دهند، رابطه‌ی معناداری مشاهده نشده، امّا بین مشارکت دینی و محلّی زنان و میزان احساس امنیّت، رابطه‌ی معناداری تأیید شده است. تحلیل رگرسیونی نشان داده که فقط متغیّرهای مشارکت محلّی و خیریّه‌ای، رابطه‌ی معناداری با رفاه خانواده داشته‌اند. هم‌چنین هرچه مشارکت محلّی و خیریّه‌ای زنان بیش‌تر باشد، رفاه اجتماعی آن‌ها بالاتر خواهد بود.
۹. یزدان‌پناه و صمدیان	شهر کرمان، ۱۳۸۶	مشارکت اجتماعی زنان کرمانی	ویژگی‌های فردی و اجتماعی	بر پایه‌ی نتایج، میزان مشارکت اجتماعی زنان در بُعد غیررسمی، بیش‌تر از مشارکت آن‌ها در بعد رسمی است. هم‌چنین ویژگی‌هایی مانند عام‌گرایی، فعّال‌گرایی، امید به آینده، خردگرایی، تحصیلات، ارزیابی فواید مشارکت و شرکت اعضای خانواده، رابطه‌ی مستقیم و معناداری با میزان مشارکت اجتماعی زنان دارند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

ادامه جدول شماره‌ی یک- اشکال، عوامل و برآمد کلّی تحقیقات انجام‌شده در موضوع عوامل مؤثّر بر مشارکت اجتماعی

نام محقّق	جامعه‌ی مورد مطالعه، سال	متغیّر وابسته‌ی مورد تحقیق	عوامل مؤثّر بر متغیّر وابسته(مشارکت اجتماعی)	برآمد کلّی پژوهش
۱۰. روستا، تاجریزی و زمانی‌پور	خراسان جنوبی، ۱۳۸۹	مشارکت زنان روستایی	عوامل اقتصادی، اجتماعی و سازمانی- عملکردی تعاونی‌ها	نتایج تحلیل هم‌بستگی این تحقیق نشان داده که بین عوامل اقتصادی، اجتماعی و سازمانی-عملکردی تعاونی‌ها و میزان مشارکت زنان روستایی در فعّالیّت‌های تعاونی، رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد. هم‌چنین بین سطح تحصیلات و میزان مشارکت، رابطه‌ی مستقیم و معناداری به‌دست آمده است.
۱۱. ویچه‌کا	کشور کامبوج، ۲۰۰۵	مشارکت اجتماعی زنان	عوامل فرهنگی	به دلیل فشارهای فرهنگی (نجابت، وظیفه‌شناسی وحق‌شناسی نسبت به والدین)،مردم کامبوج بدون هیچ شناختی از ارزش‌های فرهنگی پیروی می‌کنند. همین عوامل فرهنگی عمده-ترین مانع مشارکت زنان هستند.
۱۲. ویلیامسون	کشور آفریقای جنوبی، ۲۰۰۶	رفع تبعیض جنسیّتی	مشارکت زنان	IDP: Integrated Development) (Planning زنان با مشارکت درIDP و ایجاد فرصت‌هایی برای شرکت در تصمیم-گیری و بیان دیدگاه‌های خود می‌توانند توانمندی جنسیّتی را ایجاد کنند.
۱۳. موتونگو	کشور کنیا، ۲۰۰۶	مشارکت زنان	سطح تحصیلات، سیاست‌های داخلی و خارجی، تجربه‌ی رهبری، تأثیر فرهنگ اجتماعی، نقش باروری و اعتقادات مذهبی	اگر به هریک از این عوامل (سطح تحصیلات، سیاست‌های داخلی و خارجی، تجربه‌ی رهبری، تأثیر فرهنگ اجتماعی، نقش باروری و اعتقادات مذهبی) توجّه شود، موجب افزایش مشارکت زنان و رشد اقتصادی و توسعه در منطقه و کشور می‌گردد. توزیع بهتر منابع و مشارکت برابر، جامعه‌ی توسعه-یافته و رفاه اجتماعی را به دنبال دارد و در نتیجه موجب ریشه‌کن شدن فقر و بهبود زندگی در جوامع می‌شود.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

ادامه جدول شماره‌ی یک- اشکال، عوامل و برآمد کلّی تحقیقات انجام‌شده در موضوع عوامل مؤثّر بر مشارکت اجتماعی

نام محقّق	جامعه‌ی مورد مطالعه، سال	متغیّر وابسته‌ی مورد تحقیق	عوامل مؤثّر بر متغیّر وابسته(مشارکت اجتماعی)	برآمد کلّی پژوهش
۱۴. اولسن و مهتا	کشور هند، ۲۰۰۷	مشارکت زنان	عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی	مشارکت نیروی کار در پاسخ به مکانیسم‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیّتی است.
۱۵. کمی	استرالیا، ۲۰۰۹	مشارکت زنان	سرمایه‌ی اجتماعی، سرمایه‌ی اقتصادی و فرهنگ	نتیجه‌ی مطالعات نشان داده که مشارکت زنان به‌وسیله‌ی جنسیّت، جنبه‌هایی از سرمایه‌ی اقتصادی، فرهنگ و سرمایه‌ی اجتماعی غیررسمی تعیین می‌شود. هم‌چنین بر پایه‌ی داده‌های کیفی، مشارکت زنان تحت‌تأثیر اجبار وظایف و نقش‌های جنسیّتی قرار دارد.
جمع‌بندی: به‌طور خلاصه می‌توان گفت در بین تحقیقات فوق، مهم‌ترین عوامل مؤثّر بر مشارکت اجتماعی زنان به صورت زیر به‌دست آمده است: ۱. احساس تعلّق اجتماعی در مشارکت اجتماعی مؤثّر است؛ ۲. سواد بیش‌ترین تأثیر را بر میزان نگرش زنان به امر مشارکت اجتماعی داشته است؛ ۳. متغیّر «نگرش زنان‌نسبت به خود» به‌عنوان عوامل درونی،«سنّ و تحصیلات» به‌عنوان عوامل زمینه‌ای و «میزان دسترسی آن‌ها به مراکز شهری و وسایل ارتباط جمعی» به‌عنوان عوامل ساختاری، بر مشارکت اجتماعی زنان روستایی تأثیر دارند.				

روش پژوهش

روش این تحقیق، اسنادی و پیمایشی و از نوع توصیفی و تبیینی است. با استفاده از روش اسنادی، ابعاد مفهومی و نظریِ موضوع مورد بررسی قرار گرفته است. تحقیق پیمایشی نیز با

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

انتخاب و مطالعه‌ی نمونه‌های منتخب از جامعه‌ی کلّی به بررسی میزان شیوع، توزیع و روابط متقابل متغیّرهای فردی و اجتماعی می‌پردازد (کرلینجر[1]، ۱۳۷۶: ۶۵).

تعاریف مفهومی و عملیّاتی متغیّرها

متغیّر وابسته (مشارکت اجتماعی)

به لحاظ قلمرو بر مبنای تحقّق مشارکت اجتماعی به‌عنوان صورتی از کنش اجتماعی، سنجش آن در دو سطح عینی و ذهنی مورد توجّه قرار گرفته است. در سطح ذهنی، آمادگی روانی برای اقدام و انجام عمل مشارکتی و در سطح عینی نیز ابعاد رفتاری و عملی مشارکت مورد نظر است. در سطح اوّل (بعد ذهنی)آمادگی روانی، روحیّه‌ی مشارکتی برای مشارکت و حضور در برنامه‌های گروهی جمعی در مقیاس محلّی، شهری، روستایی و حتّی ملّی سنجیده می‌شود و به اقتضای شرایط، مناسبات اجتماعی و فرهنگی حاکم بر حوزه‌ی مورد مطالعه، از مجموعه‌ای از گویه‌ها در قالب طیف‌بندی لیکرت برای سنجش روحیّه‌ی مشارکتی استفاده می‌گردد. در سطح دوم مشارکت اجتماعی (بعد عینی) عمدتاً کنش و اقدام اعضای جامعه بررسی شده است. در این پژوهش فعّالیّت مشارکتی بر مبنای چگونگی ایفای نقش زنان در تعاونی‌های تولیدی، مورد سنجش قرار گرفته و این متغیّر با ۱۱ گویه در قالب طیف لیکرت اندازه‌گیری شده است. فعّالیّت و روحیّه‌ی مشارکتی در قالب شاخص‌های زیر مورد پرسشقرار گرفتند: شرکت در جلسات و تصمیم‌گیری‌ها (برگزار شده در تعاونی، انتخابات تعاونی و دوره‌های دوستانه‌ی برگزار شده در تعاونی تولیدی)؛ همکاری با اعضای تعاونی؛ همکاری در برگزاری همایش‌ها در زمینه‌ی تعاونی تولیدی؛ کمک به صندوق-های مالی تعاونی تولیدی؛ همکاری با اعضای تعاونی خود در اداره‌ی بهتر آن؛ مشارکت در اجرای طرح‌های اقتصادی؛ همکاری در برگزاری نمایشگاه‌ها برای تعاونی تولیدی و همکاری در دوره‌های آموزشی و کلاس‌های کارگاهی.

متغیّرهای مستقل

عام‌گرایی: نوعی جهت‌گیری ارزشی مبتنی بر عناصر منطقی کنش است که زمینه را برای بروز و ظهور کنش‌های منطقی مبتنی بر قواعد عام فراهم می‌کند؛ بدین معنا که آیا کنش‌گر با دیگری بر

[1]Kerlinjer

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

مبنای هنجارهای عام رفتار می‌کند یا رابطه‌ی خاصّ فرد با دیگری موجب کنش خاصّی می‌شود؟ به‌عبارت دیگر، آیا با همگان برخوردی عادلانه صورت می‌گیرد یا کسانی هستند که از موقعیّتی خاص برخوردارند؟(دیلینی، ۱۳۸۹: ۳۶۲).برای سنجش این متغیّر از ۲ گویه در قالب طیف لیکرت (شاخص‌هایعدم تمایل به انجام کار بستگان در خارج از نوبت و نادیده نگرفتن کارهای خلاف دوستان و نزدیکان خود) استفاده شده است.

خِرَدگرایی:تمایل به عاقبت‌اندیشی و محاسبه به‌طور کلّی است که در قالب طیف لیکرت (شاخص‌های قبول مسؤولیّت، آینده‌نگری، در نظر گرفتن عواقب کار و برنامه‌ریزی برای آینده) با ۴ گویه اندازه‌گیری شده است.

امید به آینده:عبارت است از تمایلی که با انتظار وقوع مثبت همراه است؛ یا به‌عبارت دیگر، ارزیابی مثبت از آن‌چه که فرد متمایل است و می‌خواهد که به وقوع بپیوندد. امید به آینده یکی از شاخص‌های بهداشت روانی در جامعه است. نگرش مثبت و امیدوارانه به آینده، سرمنشأ تحرّک، تلاش، پویایی و شادابی و در واقع، اعتقاد به بهتر شدن زندگی در آینده است (صفری شالی، ۱۳۸۷: ۱۳۷-۱۶۱).این متغیّر با ۹ گویه در قالب طیف لیکرت (شاخص‌های نظر مثبت به زندگی، انتظارآینده‌ی خوب و خوشایند، امید به پیشرفت و حلّ مشکلات در آینده، معنادار بودن زندگی، نگاه مثبت به آینده، بهبود اوضاع و احوال مردم عادی، رسیدن به اهداف تعیین‌شده، اطمینان به روزهای خوش و نیز اطمینان به انجام‌شدن کارها طبق برنامه) سنجیده شده است.

ارزیابی فایده‌ی مشارکت: منظور از ارزیابی فایده‌ی مشارکت، نظر پاسخ‌گویان درباره‌ی فواید و مضرّات شرکت در فعّالیّت اجتماعی در قالب تعاونی تولیدی است. این متغیّر با ۳ گویه در قالب طیف لیکرت (شاخص‌های سبب رشد فکری و اجتماعی، افزایش توجّه به زندگی خانوادگی و صرفِ وقت برای کسب درآمد با شرکت زنان در تعاونی تولیدی) اندازه‌گیری شده است.

اعتماد اجتماعی:این اعتماد، بر انتظارات و تعهّدات اکتسابی و تأییدشده و اجتماعی‌ای که افراد نسبت به سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی دارند،دلالت می‌کند (پاکستون[1]، ۱۹۹۹: ۱۰۵). در پژوهش حاضر، اعتماد در قالب دو سنجه‌ی اعتماد بین فردی و اعتماد نهادی مورد سنجش قرار گرفته است. اعتماد بین فردی به‌معنای چگونگی اطمینان و اعتماد زنان به یکدیگر است که از طریق ۹ گویه در قالب طیف لیکرت (شاخص‌های اعتماد زنان به همدیگر، وجود صداقت و راستگویی،

[1] Paxton

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

نبودِ تظاهر و دورویی، پای‌بندی به قول و قرار، نبودِ تملّق و چاپلوسی، وجود امانت‌داری، نبودِ تقلّب و زرنگ‌بازی، وجود کمک و همیاری و تحت‌نظر نداشتنِ دیگری) اندازه‌گیری شده است. اعتماد نهادی نیزبا ۶ گویه در قالب طیف لیکرت (شاخص‌های میزان آمادگی مسؤولان تعاونی تولیدی برای پذیرش سؤالات و پیشنهادهای جدید، قابل اعتماد بودن و برخورداری مسؤولان تعاونی تولیدی از صداقت و تعهّد و رفتار صادقانه‌ی آن‌ها با زنان، احساس امنیّت زنان در محیط تعاونی و انتقاد آن‌ها از مسؤولان تعاونی بدون ترس و نگرانی) مورد اندازه‌گیری قرار گرفته است.

اعتبار و روایی

برای تعیین اعتبار شاخص‌های به‌کار رفته، پرسش‌نامه‌ی محقّق‌ساخته‌ی این پژوهش که از دیگر تحقیقات نیز بهره گرفته است، در اختیار تعدادی از استادان، صاحب‌نظران و متخصّصان مسائل علوم اجتماعی قرار گرفت و دیدگاه‌های اصلاحی آن‌ها اخذ شد (اعتبار صوری).

به منظور تعیین پایایی ابزار از روش آزمون آلفای کرونباخ استفاده گردید. این روش برای محاسبه‌ی همسانی و هماهنگی درونی پرسش‌نامه یا آزمون‌هایی که خصیصه‌های مختلف را اندازه‌گیری می‌کنند، به‌کارمی‌رود.

جدول شماره‌ی دو- نتایج آزمون آلفای کرونباخ برای ابزار سنجش

متغیّرها	قابلیّت اعتماد
مشارکت اجتماعی	۰/۸۸
عام‌گرایی	۰/۷۸
خِرَدگرایی	۰/۷۱
امید به آینده	۰/۸۶
ارزیابی فواید مشارکت	۰/۷۰
اعتماد اجتماعی	۰/۷۴

جامعه و نمونه‌ی آماری و شیوه‌ی نمونه‌گیری

جامعه‌ی آماری این تحقیق رازنان عضو تعاونی‌های تولیدی استان مازندران تشکیل می‌دهند که تعداد آن‌هابرابر با ۱۴۷۲ نفر است (اداره‌ی تعاون، ۱۳۹۰). محدوده‌ی زمانی این پژوهش سال ۱۳۹۰ است و برای انتخاب حجم نمونه از فرمول عمومی کوکران که در آن p احتمال وجود

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

صفت= ۰/۵ و qنبودِ صفت= ۰/۵ در نظر گرفته می‌شود، استفاده شده است (رفیع‌پور، ۱۳۷۵: ۳۸۰).

$$n = \frac{X^2 NP(1-P)}{d^2(N-1) + X^2 P(1-P)}$$

$$305 = \frac{(3.84)*(1472)*(0.5)*(1-0.5)}{(0.0025)*(1471)+(3.84)*(0.5)(0.5)} = \frac{1413.12}{34.6375}$$

بدین ترتیب بر اساس فرمول کوکران، تعداد ۳۰۵ نفر به‌عنوان حجم نمونه انتخاب گردیده‌اند. برای انتخاب افراد نمونه، ابتدا شهر و پس از آن، تعاونی‌های تولیدی و سپس زنان عضو تعاونی مشخّص شدند. بدین صورت که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای، چند شهر انتخاب و در هر شهر چند تعاونی تولیدی مشخّص گردید، سپس در هر تعاونی بر اساس تعداد اعضای زن و با توجّه به حجم نمونه‌ی کل، تعداد زنان نمونه مشخّص و فرد نمونه بر اساس روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شد.

فرد نمونه◄----- زنان عضو◄-------- تعاونی تولیدی ◄------- شهر

ابزار گردآوری اطّلاعات

متداول‌ترین ابزار و تکنیک بررسی تجربی در رشته‌های علوم اجتماعی به‌ویژه جامعه‌شناسی، روش پرس‌وجو یا مصاحبه است. پژوهش حاضر نیز به صورت مصاحبه انجام گرفته و از ابزار پرسش‌نامه برای جمع‌آوری اطّلاعات استفاده شده است. پس از تکمیل پرسش‌نامه‌ها، داده‌های گردآوری‌شده با نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو سطح توصیفی و استنباطی صورت گرفته است.

فرضیّه‌های پژوهش

۱. به‌نظر می‌رسد بین عام‌گرایی زنان و میزان مشارکت اجتماعی آنان در تعاونی‌های تولیدی، رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

۲. به‌نظر می‌رسد بین خِرَدگرایی زنان و میزان مشارکت اجتماعی آنان در تعاونی‌های تولیدی، رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

۳. به‌نظر می‌رسد بین امید زنان به آینده و میزان مشارکت اجتماعی آنان در تعاونی‌های تولیدی، رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

۴. به‌نظر می‌رسد بین ارزیابی فواید مشارکت زنان و میزان مشارکت اجتماعی آنان در تعاونی‌های تولیدی، رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

۵. به‌نظر می‌رسد بین اعتماد اجتماعی زنان و میزان مشارکت اجتماعی آنان در تعاونی‌های تولیدی، رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

۶. به‌نظر می‌رسد بین تحصیلات زنان و میزان مشارکت اجتماعی آنان در تعاونی‌های تولیدی، رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

تجزیه و تحلیل توصیفی

در این بخش، متغیّرهای زمینه‌ای از قبیل وضعیّت تأهّل، میزان تحصیلات، وضعیّت اشتغال و محلّ سکونت مورد توصیف قرار می‌گیرند.

جدول شماره‌ی سه- توزیع یک‌بعدی فراوانی و درصد فراوانی وضعیّت تأهّل، وضعیّت اشتغال، محلّ سکونت و میزان تحصیلات

متغیّرها	وضعیّت تأهّل		وضعیّت اشتغال		محلّ سکونت		میزان تحصیلات		
گروه‌ها	متأهّل	مجرّد	شاغل	بیکار	شهر	روستا	دیپلم و پایین‌تر	کاردانی و کارشناسی	کارشناسی ارشد
فراوانی	۱۹۳	۱۱۲	۱۱۷	۱۸۸	۲۱۸	۸۷	۱۲۶	۱۶۳	۱۶
درصد فراوانی	٪۶۳	٪۳۷	٪۳۸	٪۶۲	٪۷۱	٪۲۹	٪۴۱	٪۵۴	٪۵

جدول شماره‌ی سه توصیف‌کننده‌ی متغیّرهای وضعیّت تأهّل، میزان تحصیلات، وضعیّت اشتغال و محلّ سکونت است. نتایج حاصل از داده‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که از تعداد کلّ پاسخ‌گویان (۳۰۵ نفر)، برحسب وضعیّت تأهّل، ۱۹۳ نفر (۶۳درصد) متأهّل و ۱۱۲ نفر (۳۷ درصد) مجرّد؛ برحسب وضعیّت اشتغال، ۱۱۷ نفر (۳۸ درصد) شاغل و ۱۸۸ نفر (۶۲ درصد)

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

بیکار؛برحسب محلّ سکونت، ۲۱۸ نفر (۷۱ درصد) شهری و ۸۷نفر (۲۹ درصد) روستایی و برحسب میزان تحصیلات نیز ۱۲۶نفر (۴۱ درصد) دارای تحصیلات دیپلم و پایین‌تر، ۱۶۳ نفر (۵۴ درصد) دارای مدرک کاردانی و کارشناسی و ۱۶نفر (۵ درصد) دارای مدرک کارشناسی ارشد بوده‌اند. این آمار توصیفی نشان‌دهنده‌ی بیش‌تر بودن تعداد متأهلین، بیکاران، شهری‌ها و دارندگان تحصیلات کاردانی و کارشناسی در میان پاسخ‌گویان تحقیق است.

تجزیه و تحلیل استنباطی

مشارکت اجتماعی یکی از مهم‌ترین ابعاد توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه است؛ به‌گونه‌ای که بخشی از مشکلات ساختاری و ناکامی‌های برنامه‌های توسعه به دلیل غفلت از این موضوع مهم و نارسایی‌های موجود در این حوزه است. مشارکت اجتماعی،در ساخت روابط گروهی در سطح ملّی و محلّی ریشه دارد و در نهایت مبتنی بر فرایندی است که طی آن، اطمینان و هم‌بستگی میان مردم برقرار و تقویت می‌شود. همه‌ی افراد حق دارند که در امور مربوط به خود احساس مسؤولیّت کنند و در مقام عمل در نحوه‌ی تدوین و اجرای آن دخالت نمایند. امّا متأسّفانه با آنکه زنان نیمی از جمعیّت کشور را تشکیل می‌دهند، اعتقاد به نقش فعّالانه‌ی آن‌ها هنوز شکلی جدی به خود نگرفته است. در اکثر کشورهای جهان نیز به‌طور نسبی مشارکت زنان کم‌تر از مردان است. پژوهش‌ها حاکی از آن است که میزان مشارکت زنان در ایران ۱۲ درصد و میزان مشارکت مردان ۱۶/۶ درصد است که این امر اظهارات پیش‌گفته را تأیید می‌کند. طبیعتاً تا زمانی که نقش زنان در تعیین امور زندگی خود کم‌رنگ‌تر از میزانی است که باید باشد، به‌عبارت دیگر تا زمانی که مشارکت اجتماعی به ضرر قشر زنان صورت می‌گیرد، آثار منفی این کم‌رنگی حضور به آنان تحمیل خواهد شد. هم‌چنین تا زمانی که زنان جامعه جایگاه واقعی خود را نیافته باشند، قطعاً نیل به توسعه و دموکراسی،موفّقیّت‌آمیز نخواهد بود.

برای استفاده از آزمون‌های آماری، ابتدا توزیع داده‌های جمع‌آوری‌شده مشخّص می‌شود که در صورت نرمال بودن این داده‌ها، برای آزمون فرضیّه‌ها می‌توان از آزمون‌های پارامتریک استفاده کرد، امّا چنان‌چه توزیع این داده‌ها نرمال نباشد، باید از آزمون‌های ناپارامتریک بهره برد. به همین سبب در این مرحله،آزمون کولموگروف–اسمیرنف درباره‌ی هریک از متغیّرها اجرا شد که نتایج در جدول شماره‌ی چهار به‌طور متمایز آمده است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

جدول شماره‌ی چهار- نتیجه‌ی آزمون نرمال بودن برای توزیع ابعاد عوامل مؤثّر (عام‌گرایی، خِرَدگرایی، امید به آینده، ارزیابی فواید مشارکت،اعتماد اجتماعی و تحصیلات) برمتغیّر وابسته (مشارکت اجتماعی زنان)

ابعاد	مقدار خطا	سطح معناداری Sig	تأیید فرضیّه	نتیجه‌گیری
عام‌گرایی	۰/۰۵	۰/۱۷۱	H_0	نرمال است
خِرَدگرایی	۰/۰۵	۰/۹۲	H_0	نرمال است
امید به آینده	۰/۰۵	۰/۰۸۴	H_0	نرمال است
ارزیابی فواید مشارکت	۰/۰۵	۰/۱۰۲	H_0	نرمال است
اعتماد اجتماعی	۰/۰۵	۰/۲۶۲	H_0	نرمال است
تحصیلات	۰/۰۵	۰/۰۵۴	H_0	نرمال است

در آزمون کولموگروف-اسمیرنف اگر مقدار سطح معناداری به‌دست آمده،کوچک‌تر از مقدار خطا (۰/۰۵) باشد، فرض یک مبنی بر نرمال نبودن توزیع داده‌ها تأیید می‌شود و در صورتیکه مقدار سطح معناداری به‌دست آمده از مقدار خطا بزرگ‌تر باشد، فرضیّه‌ی صفر مبنی بر نرمال بودن توزیع داده‌ها تفسیر می‌گردد.

جدول شماره‌ی چهار بیانگر آن است که مقدار سطح معناداری به‌دست آمده‌ی ابعاد، بزرگ‌تر از مقدار خطا(۰/۰۵) است. بنابراین فرضیّه‌ی صفر مبنی بر نرمال بودن توزیع داده‌ها تأیید شد. از اینرو برای بررسی فرضیّه‌های تحقیق از آزمون پیرسون که از جمله آزمون‌های پارامتریک است، استفاده شده است.

جدول شماره‌ی پنج- نتایج آزمون هم‌بستگی پیرسون بین متغیّرهای مستقل (عام‌گرایی، خِرَدگرایی، امید به آینده، ارزیابی فواید مشارکت، اعتماد اجتماعی و تحصیلات) و متغیّر وابسته (مشارکت اجتماعی زنان)

متغیّر وابسته / متغیّرهای مستقل	ضریب پیرسون	سطح معناداریsig	تعداد کلّ پاسخ‌گویان
عام‌گرایی	-۰/۲۳	۰/۰۰۰	۳۰۵
خِرَدگرایی	۰/۲۰	۰/۰۰۰	۳۰۵
امید به آینده	۰/۴۰	۰/۰۰۰	۳۰۵
ارزیابی فواید مشارکت	۰/۲۶	۰/۰۰۰	۳۰۵
اعتماد اجتماعی	۰/۳۷	۰/۰۰۰	۳۰۵
تحصیلات	-۰/۴۱	۰/۰۰۰	۳۰۵

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

جدول شماره‌ی شش- نتایج آزمون تحلیل رگرسیون چندمتغیّره درباره‌ی عوامل مؤثّر بر مشارکت اجتماعی زنان

روش ورود متغیّرها	R	R Square	Adjusted R Square	S.E	Sig
Stepwise	۰/۶۳	۰/۴۱	۰/۴۰	۸/۸	۰/۰۰۰

جدول شماره‌ی هفت- ضرایب آزمون تحلیل رگرسیون درباره‌ی عوامل مؤثّر بر میزان مشارکت اجتماعی زنان

متغیّرهای مستقل		B	Beta	S.E	t	Sig
A	مقدار ثابت(عرض از مبدأ)	۳۷/۲۲۳	-------	۴/۳۷۹	۸/۵۰۰	۰/۰۰۰
	تحصیلات	-۸/۰۹۷	-۰/۴۰۷	-۰/۹۰۶	-۸/۹۳۹	۰/۰۰۰
	اعتماد اجتماعی	۰/۵۵۶	۰/۲۴۷	۰/۱۰۵	۵/۳۰۰	۰/۰۰۰
	امید به آینده	۰/۴۳۶	۰/۲۱۸	۰/۰۹۶	-۴/۵۲۵	۰/۰۰۰
	عام‌گرایی	-۱/۰۸۳	-۰/۱۸۳	۰/۲۶۳	-۴/۱۲۵	۰/۰۰۰

با توجّه به مقدار Beta در جدول شماره‌ی هفت، متغیّرهای تحصیلات، اعتماد اجتماعی، امید به آینده و عام‌گرایی بیش‌ترین تأثیر را بر مشارکت اجتماعی زنان در تعاونی داشته‌اند.

در این تحقیق ضریب تعیین برابر با۰/۴۱ به‌دست آمده است. این یافته بدین معناست که متغیّرهای مستقل تحقیق توانسته‌اند ۰/۴۱ درصد از تغییرات مربوط به متغیّر وابسته را تبیین کنند. ضریب تعیین تعدیل‌یافته که مربع هم‌بستگی تعدیل‌شده را نشان می‌دهد، برابر با ۰/۴۰ است. این معیار نسبت به ضریب تعیین حقیقی‌تر است؛ زیرا الزاماً با افزایش متغیّرهای مستقل، افزایش نمی-یابد. سطح معناداری مربوط به تحلیل واریانس رگرسیون، به منظور بررسی قطعیّت وجود رابطه‌ی خطّی بین متغیّرهاست که در تحقیق حاضر، مقدار آن برابر با صفر شده و کم‌تر از ۰/۰۱ است. بنابراین فرض خطّی بودن مدل رگرسیون تأیید می‌شود (جدول شماره‌ی شش).

بحث و نتیجه‌گیری

با مقایسه یافته‌های این تحقیق با تحقیقات مشابه پیشین می‌توان گفت که در مؤلّفه‌های امید به آینده(یزدان‌پناه و صمدیان،۱۳۸۶)، اعتماد اجتماعی (ویچه‌کا، ۲۰۰۵؛ کتی، ۲۰۰۹؛روستا و همکاران، ۱۳۸۹)، ارزیابی فواید مشارکت زنان (یزدان‌پناه و صمدیان، ۱۳۸۶) و خِرَدگرایی (اولسن و مهتا، ۲۰۰۷؛ یزدان‌پناه و صمدیان،۱۳۸۶) نتایج یکسانی به‌دست آمده و همه‌ی متغیّرهای فوق، رابطه‌ی مستقیم و معناداری با مشارکت اجتماعی داشته‌اند. امّا درمؤلّفه‌های تحصیلات(آقابین، ۱۳۸۲؛

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

موتونگو، ۲۰۰۶؛ یزدان‌پناه و صمدیان، ۱۳۸۶؛کردی،۱۳۷۹؛ روستا و همکاران،۱۳۸۹) و عام‌گرایی (یزدان‌پناه و صمدیان، ۱۳۸۶) نتیجه‌ی این پژوهش متفاوت بوده است؛ به‌عبارت دیگر در پژوهش حاضر، متغیّرهای تحصیلات و عام‌گرایی رابطه‌ی معکوسی را با مشارکت اجتماعی نشان داده‌اند.

با توجّه به اینکه سطح سنجش متغیّر وابسته (مشارکت اجتماعی زنان) و متغیّرهای مستقل (عام‌گرایی،خِرَدگرایی، امید به آینده، ارزیابی فواید مشارکت، اعتماد اجتماعی و تحصیلات) فاصله‌ای است از آزمون پیرسون برای بررسی ۶ فرضیّه‌ی تحقیق استفاده شده است.

۱. به‌نظر می‌رسد بین عام‌گرایی زنان و میزان مشارکت اجتماعی آنان در تعاونی‌های تولیدی، رابطه‌ی معناداری وجود دارد. ضریب هم‌بستگی پیرسون بین دو متغیّر عام‌گرایی و میزان مشارکت اجتماعی زنان ۰/۲۳- است که نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ی منفی بین دو متغیّر فوق است؛ به این معنا که هرچه عام‌گرایی بین زنان افزایش یابد، میزان مشارکت اجتماعی آن‌ها در تعاونی‌های تولیدی کاهش می‌یابد،امّا شدّت رابطه، ضعیف ارزیابی می‌شود. سطح معناداری این آزمون (sig=۰/۰۰۰) قابل قبول است(جدول شماره‌ی پنج).

۲. به‌نظر می‌رسد بین خِرَدگرایی زنان و میزان مشارکت اجتماعی آنان در تعاونی‌های تولیدی، رابطه‌ی معناداری وجود دارد. با توجّه به ضریب هم‌بستگی بین دو متغیّرمربوط (۰/۲۰) و با توجّه به سطح معناداری قابل قبول (sig=۰/۰۰۰)، رابطه‌ی معناداری بین خِرَدگرایی زنان و میزان مشارکت اجتماعی آن‌ها دیده می‌شود؛ به‌عبارت دیگر، با افزایش خِرَدگرایی در بین زنان مشغول به کار در تعاونی‌های تولیدی، میزان مشارکت اجتماعی آن‌ها در حدّ ضعیف، افزایش می‌یابد(جدول شماره‌ی پنج).

۳. به‌نظر می‌رسد بین امید زنان به آینده و میزان مشارکت اجتماعی آنان در تعاونی‌های تولیدی، رابطه‌ی معناداری وجود دارد. سطح معناداری آزمون (sig=۰/۰۰۰) کم‌تر از sig=۰/۰۵است. بنابراین فرضیّه‌ی تحقیق مبنی بر وجود رابطه‌ی معنادار بین دو متغیّر امید به آینده و میزان مشارکت اجتماعی زنان تأیید شده است. ضریب هم‌بستگی پیرسون برابر با ۰/۴۰ است که از وجود رابطه‌ی مثبت و با سطح تأثیر متوسّط بین دو متغیّر فوق حکایت دارد (جدول شماره‌ی پنج).

۴. به‌نظر می‌رسد بین ارزیابی فواید مشارکت زنان و میزان مشارکت اجتماعی آنان درتعاونی‌های تولیدی، رابطه‌ی معناداری وجود دارد. ضریب هم‌بستگی پیرسون برابر با ۰/۲۶ است که حاکی از وجود رابطه‌ی مثبت بین دو متغیّر ارزیابی فواید مشارکت و میزان مشارکت اجتماعی زنان است؛ به‌عبارت دیگر، با افزایش میزان فواید مشارکت در بین زنان مشغول به کار در تعاونی‌های تولیدی،

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

میزان مشارکت اجتماعی آن‌ها افزایش می‌یابد. هم‌چنین سطح معناداری (sig=۰/۰۰۰) قابل قبول است (جدول شماره‌ی پنج).

۵. به‌نظر می‌رسدبین اعتماد اجتماعی زنان و میزان مشارکت اجتماعی آنان در تعاونی‌های تولیدی، رابطه‌ی معناداری وجود دارد. سطح معناداری آزمون (sig=۰/۰۰۰) کم‌تر از sig=۰/۰۱است. بنابراین فرضیّه‌ی تحقیق مبنی بر وجود رابطه‌ی معنادار بین دو متغیّر اعتماد اجتماعی و میزان مشارکت اجتماعی زنان تأیید شده است.ضریب هم‌بستگی پیرسون برابر با ۰/۳۷ است که حاکی از وجود رابطه‌ی مثبت و با سطح تأثیر متوسّط بین دو متغیّر فوق است. بنابراین با سطح معناداری قابل قبول، نتیجه‌ی موجود در این پژوهش قابلیّت تعمیم به جامعه‌ی آماری را دارد (جدول شماره‌ی پنج).

۶. به‌نظر می‌رسد بین تحصیلات زنان و میزان مشارکت اجتماعی آنان در تعاونی‌های تولیدی، رابطه‌ی معناداری وجود دارد. سطح معناداری آزمون (sig=۰/۰۰۰) کم‌تر از sig=۰/۰۵است. بنابراین فرضیّه‌ی تحقیق مبنی بر وجود رابطه‌ی معنادار بین دو متغیّر تحصیلات و میزان مشارکت اجتماعی زنان تأیید شده است. ضریب هم‌بستگی پیرسون برابر با ۰/۴۱- است که حاکی از وجود رابطه‌ی معکوس و با سطح تأثیر متوسّط بین دو متغیّر فوق است (جدول شماره‌ی هفت).

در نهایت از میان ۶ متغیّر مستقل، دو متغیّر امید به آینده و اعتماد اجتماعی، تأثیر بالاتر و مثبتی در میزان مشارکت اجتماعی زنان در تعاونی‌های تولیدی داشته‌اند.

در چارچوب نظریّه‌ی کنش پارسونز، آن‌چه که کنش اجتماعی(مشارکت اجتماعی زنان) را می-سازد، امید به آینده، ارزیابی فواید مشارکت، اعتماد اجتماعی، خِرَدگرایی دارای شق عاطفی و جهت‌گیری جمعی است. البتّه برخلاف نظر پارسونز، جنبه‌ی عملی بیش‌تر از کیفیّت ذاتی و خاص‌گرایی بیش‌تر از عام‌گرایی، تعیین‌کننده‌ی مشارکت اجتماعی زنان بوده است. در این راستا، متغیّرعام‌گرایی زنان رابطه‌ی معکوسی با مشارکت اجتماعی آن‌ها داشته است؛ به این معنا که هرچه عام‌گرایی افزایش یابد، مشارکت اجتماعی کاهش می‌یابد. بنابراین نتیجه‌ی این یافته‌ی تجربی، برخلاف نظر پارسونز است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

پیشنهادها

با توجّه به اینکه دو متغیّر امید به آینده و اعتماد اجتماعی، بیش‌ترین تأثیر و رابطه‌ی مستقیم را با میزان مشارکت اجتماعی زنان در تعاونی‌های تولیدی داشته‌اند، می‌توان پیشنهادهای کاربردی زیر را مطرح کرد:

۱. برگزاری کارگاه‌های آموزشی(روان‌شناسی مثبت) و مدیریّت پروژهبرای تسلّط افراد در پیشبرد کارهای خود. این پیشنهاد ازجمله شاخص‌هایی است که می‌تواند میزان امید اعضای تعاونی را به آینده بهتر کند تا بدین ترتیب موجب افزایش میزان مشارکت آن‌ها در تعاونی‌های تولیدی شود. هم‌چنین آموزش تکنیک‌های کاربردی و نوین حلّ مشکلات شغلی و ارتباطات توسّط افراد باتجربه و آشنا به مشکلات منطقه‌ی هر تعاونی، می‌تواند مؤثّر باشد.

۲. تقویت همیاری‌های درون تعاونی‌های تولیدی و تشویق به صداقت و اعتماد توسّط مسؤولان تعاونی‌ها(مدیران ستاد و صف) از یک‌سو و ارتقای فهم و پذیرش مسؤولان تعاونی‌ها در برخورد صادقانه با زنان عضو و نیز ایجاد احساس امنیّت و فضای انتقاد سازنده و بدون ترس و نگرانی در محیط تعاونی برای آن‌ها از سوی دیگر، موجب افزایش مشارکت زنان در تعاونی‌های تولیدی می-شود.

۳. در صورتیکه فواید مشارکت زنان در تعاونی‌های تولیدی، هم از جهت درآمدی و هم از جهت فکری-اجتماعی به زندگی خانوادگی آنان برگردد، افزایش مشارکت زنان را در تعاونی‌های تولیدی در پی خواهد داشت.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

منابع

۱. آقابین، افسانه (۱۳۸۲)«اعتماد، اجتماع، جنسیّت»، **مجلّه‌ی جامعه‌شناسی ایران**، شماره‌ی ۲، صص ۱۰۰-۱۳۲.

۲. استونز، راب (۱۳۹۰) **متفکّران بزرگ جامعه‌شناسی**، ترجمه‌ی مهرداد میردامادی، تهران: مرکز.

۳. ازکیا، مصطفی (۱۳۷۹) **جامعه‌شناسی توسعه**، تهران:کلمه.

۴. ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۰) «بررسی رابطه‌ی بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی کاشان»، **نامه‌ی علوم اجتماعی**، شماره‌ی ۱۷، صص ۳۰-۳۱.

۵. توسلی، غلامعباس (۱۳۹۰)**نظریّه‌های جامعه‌شناسی**، تهران: سمت.

۶. دیلینی، تیم (۱۳۸۹)**نظریّه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی**، ترجمه‌ی بهرنگ صدیقی و وحید طلوعی، تهران: نی.

۷. رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۵)**کندوکاوها و پنداشته‌ها**، تهران: شرکت سهامی انتشار.

۸. روستا، کوروش؛ تاجریزی، الهام و زمانی‌پور، اسدالله (۱۳۸۹) «عوامل مؤثّر بر مشارکت زنان روستایی در تعاونی‌های تولیدی»، **ماهنامه‌ی اقتصادی،اجتماعی و فرهنگی تعاون**، شماره‌ی ۲، صص ۹۱-۱۱۰.

۹. روشه، گی (۱۳۷۷)**جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز**، ترجمه‌ی عبدالحسین نیک‌گوهر، تهران: تبیان.

۱۰. ریتزر، جورج (۱۳۸۲)**نظریّه‌ی جامعه‌شناسی در دوران معاصر**، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: علمی.

۱۱. ساروخانی، باقر(۱۳۷۰)**درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی**، تهران: کیهان.

۱۲. شفیعی، شفیع(۱۳۸۷)«**بررسی عوامل مؤثّر بر مشارکت اجتماعی شهروندانشهر اردبیل**»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد علوم اجتماعی.

۱۳. صداقتی‌فرد، مجتبی و ارجمند، الهام(۱۳۸۹) «انگیزه‌های زنان ایرانی از شرکت در فعّالیّت‌های اجتماعی پژوهشی در شناسایی عامل‌های مؤثّر بر مشارکت زنان»، **فصلنامه‌ی زن و جامعه**، سال اوّل، شماره‌ی ۲، صص ۹۷-۱۲۲.

۱۴. صفری شالی، رضا(۱۳۸۷) «عوامل فرهنگی و اجتماعی مرتبط با میزان مشارکت زنان روستایی در امور و مسائل خانوادگی و اجتماعی(مطالعه‌ی موردی زنان روستایی استان زنجان)»، **زن در توسعه و سیاست**، شماره‌ی ۲۰، صص ۱۳۷-۱۶۱.

۱۵. عباسی، محمّد(۱۳۸۹)**باور تعاون**، تهران: مؤسّسه‌ی توسعه‌ی روستایی ایران.

۱۶. عظیمی، لیلا(۱۳۸۰)«**بررسی عوامل مؤثّر بر مشارکت اجتماعی زنان (مطالعه‌ی موردیزنان شهر شیراز)**»،پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

۱۷. عنبری، موسی(۱۳۷۷) «**ارتباط زمینه‌های خانوادگی دانشجویان با مشارکت اجتماعی آنان(مورد مطالعه: دانشگاه تهران)**»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

۱۸. فراستخواه، مقصود(۱۳۸۳) «زنان، آموزش عالی و بازار کار»، **زن در توسعه و سیاست**، دوره‌ی دوم، شماره‌ی ۱، صص ۱۴۷-۱۶۳.

۱۹. کرایب، یان(۱۳۸۱)**نظریّه‌ی اجتماعی مدرن از پارسونز تا هابرماس**، ترجمه‌ی عباس مخبر، تهران: آگاه.

۲۰. کردی، حسین(۱۳۷۷) «بررسی نگرش زنان به مشارکت اجتماعی در استان گلستان»، **پیک نور**، سال پنجم، شماره‌ی ۱، صص ۶۹-۸۰.

۲۱. کرلینجر، فرد. ان(۱۳۷۶)**مبانی پژوهش در علوم رفتاری**، ترجمه‌ی حسن پاشا شریفی و جعفر نجفی زند، تهران: آوای نور.

۲۲. محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۶۹)**بررسی زمینه‌ی مشارکتی روستاییان و ارتباط آن با ترویج کشاورزی**، تهران: معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد سازندگی.

۲۳. نیک‌بین صداقتی، فاطمه(۱۳۸۶)«**مشارکت اجتماعی زنان و تأثیر آن بر رفاه خانواده(مطالعه‌ی موردی منطقه‌ی ۹ تهران)**»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.

۲۴. وحیدا، فریدون و نیازی، محسن(۱۳۸۳) «رابطه‌ی بین ساختار قدرت در خانواده و مشارکت اجتماعی در شهر کاشان»، **نامه‌ی علوم اجتماعی**، شماره‌ی ۲۳، صص ۱۱۷-۱۴۶.

۲۵. وینر، مایرون و هانتینگتون، ساموئل(۱۳۷۹)**درک توسعه‌ی سیاسی**، ترجمه‌ی پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی، تهران، انتشارات مؤسّسه‌ی پژوهشکده.

۲۶. یزدان‌پناه، لیلا و صمدیان، فاطمه (۱۳۷۸) «تأثیر ویژگی‌های فردی و اجتماعی بر مشارکت اجتماعی زنان کرمانی»، **فصلنامه‌ی مطالعات زنان**، سال ششم، شماره‌ی ۲، صص ۱۲۷-۱۴۹.

27. Afroz,masuda(2010) **Effect of organizational Cover Nance on women participation in Decision-Making**, North South University, Bangladesh.

28. Hanish,marhus(2005)**A Governance Perspective on The Role of Cooperatives In Rural Development**.

29. Montongu, Bundi Zablon(2006) "Womens' participation In Ommunity-Based Organization Development as a Strategy for Poverty Eradication In Kenya**", Journal Of Constractive**.

30. Olsen, Mehta & Smita Mehta(2007) **Famal Labour Participation In Rural and Urban India**, Does Housew.

31. Osborn, Katy(2009) **Women Social Capital and Mental Well-Being: AndExamination Of Participation In community Groups**, Thesis Flinders University,ives, work count?

32. Paxton, P (1999) " Is Social Capital Declining in The United States", **AJS**, Vol. 105, No.1.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

33. Peterson,D.K(2004) "Benefit Of Participation in corporate volunteer programs: Employees captionion, **Personnel Review**, Vol.33, No.6, pp.615-627.
34. Vicheka, Lay(2005) "Combodia Women and Barriers to social paticipation", **web pag**, 3 January, Retriered 29 may 2007.
35. Wiliamson, Amanda(2006) Womens' participation Integrated Development Planning Processes In Kwazula-Natal, South Africa, Presented to **Conference on the place of Participation in a democratising South Africa**, IFAS, and CUBES, Wits.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

This document was created with the Win2PDF “print to PDF” printer available at
http://www.win2pdf.com

This version of Win2PDF 10 is for evaluation and non-commercial use only.

This page will not be added after purchasing Win2PDF.

http://www.win2pdf.com/purchase/

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]